

پلیس اینترپلیک "بندبین المللی کودک آزاری" ۹۰ نفر از تایلند، استرالیا و آمریکا را دستگیر کرد که ۵۰ کودک نیز نجات یافتند. به گزارش ایسنا، این تحقیقات که از دوسال پیش آغاز شد، عملیات مچ سیاه نامیده شده و یک سایت اینترنتی در "دار کوب" را که بیش از ۶۰ هزار کاربر جهانی داشته، هدف قرار داده است. این عملیات زمانی آغاز شد که اینترپل تصاویر ۱۱ پسر بچه زیر ۱۳ سال را در این سایت کشف کرد که در آن کاربران از نرم افزارهای رمزگذاری شده برای مخفی کردن هویت خود استفاده می کردند.

خطر زرد

"هشدارهای پلیس درباره مزاحمت های اینترنتی"

✱ هرگز کوشش نکنید شخصاً با یک مزاحم اینترنتی مذاکره و ارتباط برقرار کنید یا از در دوستی در آیید.

✱ پاسخ ندادن و نادیده گرفتن کوشش های مزاحم اینترنتی، او را دل زده و از ادامه کار منصرف می کند.

✱ مهم ترین راهکار برای جلوگیری از گسترش فعالیت مزاحمان اینترنتی بر خورد منفی کاربران است به این معنا که آن ها هر پیام، عکس، ویدئو و... را علیه دیگران در شبکه های اجتماعی انتشار می دهند به اشتراک نگذاریم و از انتشار گسترده آن جلوگیری کنیم.

✱ درباره ایمیل های مزاحم هم بهترین کار پاسخ ندادن به آن هاست و بهتر است تمام ایمیل های شخص مزاحم را نگه دارید. حفظ ایمیل ها به مقایسه و تشخیص فرد مزاحم کمک فراوانی خواهد کرد که در صورت شکایت می توانید آن ها را به محکمه ارائه دهید.

✱ کاربران در فضای مجازی به هویت های کاذب اعتماد نکنند، زیرا افراد سودجو با هویت های جعلی و برای مقاصد خاص مثل اخادی و خصوصت های شخصی با کاربران ارتباط برقرار می کنندو باعث بروز مشکلاتی برای آن ها می شوند.

✱ کاربران نکات لازم را برای ارتقای امنیت خود در فضای مجازی رعایت کنند.

✱ بیشتر مزاحمت های اینترنتی عنوان مجرمانه دار دو قایل ردیابی است وبزه دین گان می توانند شکایت کنند و برای ثبت شکایت خود می توانند به مرجع قضایی مراجعه کنند.

✱ هر گونه ایجاد مزاحمت و سلب آسایش در فضای مجازی جرم بوده و برابراین قانون بر خورد می شود و به موجب مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸ قانون جرایم رایانه ای، مرتکب به حبس یا جزای نقدی یا به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

●●●

قتل در نزاع دسته جمعی

توکلی - دادستان عمومی و انقلاب شهرستان عنبرآباد گفت: چهارشنبه هفته گذشته یکم خرداد ماه جاری در پی نزاع دسته جمعی تعدادی جوان در شهرستان عنبرآباد، یک جوان به ضرب گلوله اسلحه شکاری به قتل رسید. به گزارش خبرنگار ما، قاضی یوسف سبحانی افزود: بلافاصله پس از وقوع این حادثه، قاتل که یک نوجوان ۱۷ ساله بود از صحنه جنایت گریخت. وی اظهار کرد: با دستور مقام قضایی، بازپرس ویژه قتل در محل حادثه حاضر شد و رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس و دادستانی قرار گرفت. این مقام قضایی تصریح کرد: با توجه به میثاق نامه عدالت و امنیت پایدار و بار ایزنی دادستانی با سران طوایف، بلافاصله از ظرفیت میانجی گران استفاده شد و متهم پس از سه روز از حادثه خونین، خود را به سیستم قضایی معرفی کرد. وی خاطر نشان کرد: قاتل در تحقیقات اولیه، علت وقوع این حادثه را یک اختلاف خانوادگی و کینه قدیمی ذکر کرد که هم اکنون با قرار بازداشت مناسب روانه زندان شده است.



گفت و گوی خراسان با عامل تصادفات ساختگی در مشهد

پول‌های آلوده!

سجاد پور - جوان ۲۹ ساله ای که با ایجاد تصادفات ساختگی در مشهد، رانندگان عبوری و شرکت های بیمه را سر کیسه می کرد تا با این پول های آلوده به ثروت برسد، دوست ناباب را عامل رفتار های خطرناک خودش دانست و گفت: برای اولین بار به پیشنهاد رفیق ناباب بود که ماجرای تصادفات ساختگی را آغاز کردم! به گزارش اختصاصی خراسان، چندی قبل دو جوان که با ایجاد تصادفات ساختگی و مقصر جلوه دادن راننده خودروی طرف مقابل، از شرکت های بیمه یا رانندگان خسارت می گرفتند در حالی با گزارش پلیس و یکی از شرکت های بیمه در چنگ قانون گرفتار شدند که قاضی سیدجواد حسینی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) دستورات ویژه ای را برای بررسی دقیق جرایم احتمالی این متهمان صادر کرد و بدین ترتیب پرونده تصادفات ساختگی در شعبه ۴۲۷ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد توسط قاضی محمد مهدی بابایی مورد سیدگی ویژه قرار گرفت. متهمان این پرونده تاکنون به موارد زیادی از سر کیسه کردن رانندگان و همچنین شرکت های دولتی و خصوصی بیمه اعتراف کرده اند که هنوز هم تحقیقات در این باره ادامه دارد.

آن چه می خوانید گفت و گوی کوتاه خبرنگار خراسان با یکی از متهمان پرونده تصادفات ساختگی در حاشیه جلسه بازجویی است.

نامت چیست؟ م-م

چند سال داری؟ ۲۹ ساله هستم.

میزان تحصیلات تا مقطع دیپلم درس خواندم.

در چه رشته ای؟ رایانه

چرا ادامه تحصیل ندادی؟ وارد بازار کار شدم البته سال ۸۰ به مدت سه سال ترک تحصیل کردم اما دوباره از سال ۸۳ ادامه دادم تا دیپلم

گرفتم!

چرا؟ بعد از فوت پدرم بود که چنین تصمیمی گرفتم!

پدرت بیمار بود؟ به خاطر ایست قلبی در گذشت **اهل مشهدی؟** بله!

برادر و خواهر هم داری؟ بله! آن ها ادامه تحصیل دادند و دانشجو هستند.

چه شغلی انتخاب کردی؟ در بولوار دانش آموز میوه فروشی داشتم!

الان هم همین شغل را داری؟ پنج سال میوه فروشی کردم ولی بعد کم آوردم و مغازه ام را جمع کردم.

بعد از آن چه کار کردی؟ هیچی! بیکار بودم!

یعنی الان هم بیکاری؟ نه! از دو ماه قبل دوباره میوه فروشی می کنم.

در مدت بیکاری هزینه های ترا چگونه تامین می کردی؟ مادرم همه مخارجم را پرداخت

راز ۳ دختر کنجکاو در کلبه وحشت انزلی

۲ دختر مردند و یکی دیگر دیوانه شد

کلبه وحشت انزلی، جایی که نباید هرگز به آن قدم گذاشت راز مخوف و ترسناکی دارد که تا به حال جوانان زیادی را به کشتن داده است. به گزارش رکتنا و باشگاه خبرنگاران جوان، در جنگل اسرارآمیز هفت دغتان در روستای صومعه سرا در استان گیلان، منطقه ای قرار دارد که سال هاست مقصد ماجراجویان و گردشگران بی شماری است. محلیان صداهای زیادی در دل آن گنجانده شده به سنگینی این است تا شب نشده این منطقه را ترک نکند ولی اگر برای تجربه وحشت و دلهره به این ناحیه سفر کرده اید به قسمت شرقی روستا بروید، جایی که هوا ناگهان سنگین تر می شود و وجود کلبه ای مترو که ویراماجر اکه افسانه های محلی زیادی در دل آن گنجانده شده به سنگینی این فضا می افزاید. در شمال ایران کلبه ای مخوف و مرموز وجود دارد که باعث شده است که حتی محلی های این منطقه به آن نزدیک نشوند. یکی از ماجراهایی که باعث شد کلبه وحشت



می کرد.

یعنی مادر ت وضعیت مالی خوبی دارد؟ بله! چون پدرم مال و اموال زیادی داشت! **اما در بازجویی ها گفته بودی به دلیل بیماری مادرم تصادفات ساختگی را انجام می دادم تا درآمد کسب کنم؟** نه! این طور نبود!

چرا از رانندگ آزادی توسند شاسی بلند خارجی گران قیمتی به دادسرا ارائه داده در دست است؟ بله! گفتم که مادرم وضعیت مالی خوبی دارد!

پس چرا تو به سوی خلاف کشیده شدی؟ اولین بار رفیق ناباب این پیشنهاد را به من داد که با تصادفات ساختگی پول دربیاورم!

چرا؟ چون آن زمان بی پول بودم! نزد دوستانم رفتم و برایش درددل کردم. او هم گفت بیا با یک تصادف ساختگی درآمد کسب کن!

اولین بار کجا این گونه تصادفات را انجام

حوادث

باند چند ملیتی کودک آزاری

متلاشی شد



دادی؟ با خودروی ۴۰۵ سر چهارراه صدف مشهد بود.

بعد هم ادامه دادی؟ بله! دومین آن را در بولوار توس، سومین را در بولوارهایی بعد هم خیابان کوشش و در نهایت با یک ون تصادف کردم!

چه کسی متوجه تصادف ساختگی شد؟ وقتی برای دریافت خسارت به بیمه رفتم متصدی آن جا مشکوک شد و خودروها را به بازبینی تصادفات خارج از صحنه ارجاع داد.

یعنی پلیس گزارش کرد؟ بله! با همان گزارش هم، دیگر مقامات قضایی مظنون شدند و با استعمال از بیمه ها همه چیز لو رفت.

پس آخرین بار پولی به دست نیاوردی؟ نه! نتوانستم خسارت بگیرم در عین حالی که مخارج تعمیر مینی بوس ون را هم پرداختم تا توانستم رضایت او را جلب کنم!

سابقه هم داری؟ نه! دعواو درگیری زیاد داشتم اما سابقه ندارم فقط یک بار به خاطر روزه خواری در شمال کشور دستگیر شدم.

کجا دعوا کردی؟ ۲/ ۱۰/ ۹۴ در میدان نمایشگاه مشهد درگیری بود، من هم رفتم نگاه کنم! ولی زمانی که داخل خودرو نشستم دیدم سرم پرخون است.

چرا از رانندگ خسارت می گرفتی؟ چون آن ها عجله داشتند یا نمی خواستند از بیمه خودرو استفاده کنند.

اگر کسی در این تصادفات مجروح یا کشته می شد چه می کردی؟ به این موضوع فکر نکرده بودم! ولی سعی می کردم خیلی آرام و با سرعت کم بر خورد کنم که فقط خودرو آسیب ببیند اگر چه از قبل خودرو آسیب دیده بود!

حالا پشیمانی؟ خیلی زیاد! اگر این ماجرا حل شود دیگر پشت دستم را داغ می کنم که چنین کارهایی را انجام بدهم!



این اتفاق، این کلبه توسط پلیس محلی تخلیه و تحت تدابیر امنیتی قرار می گیرد. از آن زمان کسی اجازه ندارد که به کلبه وحشت انزلی نزدیک شود یا آن دیدن کند. حرف هایی که در باره این کلبه وحشت گفته می شود بسیار دور از ذهن است اما طبق نظر بسیاری از محلی ها، واقعیت دارد البته باید توجه داشت که هیچ گونه اسناد یا شواهدی که به طور حتم اثبات کند که داستان های این کلبه واقعا اتفاق افتاده است، وجود ندارد.

خدمتکار خائن دستگیر شد

مدت چند سالی که در منزل شاکی کار می کنم اطلاع کاملی در خصوص وضعیت مالی وی پیدا کرده بودم و از نگهداری طلاجات توسط وی در خانه نیز اطلاع و اطمینان داشتم تا این که پس از جابه جایی محل سکونتم در شهریار، با تهیه نوشیدنی مسموم ابتدا شاکی را بیهوش کردم و پس از سرقت، بلافاصله به شهریار رفتم و طلاجات را به دو نفر در مجموع به مبلغ ۷۰ میلیون تومان فروختم.

مرکز اطلاع رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ، اعلام کرد: در ادامه رسیدگی به پرونده، کارآگاهان این پایگاه با شناسایی محل تردد دو خریدار اموال مسروقه در شهرستان شهریار، در دو عملیات جداگانه هر دو نفر آن ها را دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه و محل فعالیت آن ها مقادیری از طلاجات مسروقه را نیز کشف کردند؛ هم اکنون متهم اصلی پرونده و همچنین دو خریدار اموال مسروقه با قرار قانونی صادر شده از سوی دستگاه قضایی، برای انجام تحقیقات تکمیلی و کشف دیگر طلاجات مسروقه در اختیار پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دارند.

۱۳

در امتداد تاریکی

●●●

دختری در بی راهه

خوب می دانم که این عشق و عاشقی های خیابانی بیشتر از چند ماه دوام ندارد و زندگی دخترم را به ناپودی می کشاند.

این موارد از ازدواج ها را بارها در میان مردم دیده ام و از عاقبت آن آگاهی کامل دارم اما نمی دانم چگونه با دختر ۱۶ ساله ای برخورد کنم که فقط براساس یک علاقه احساسی و عاطفی در دام عشقی خیابانی افتاده است...

مرد جوان که با حالتی آشفته و پریشان وارد کلانتری شده بود در حالی که با نگرانی و اضطراب سرش را میان دستانش گرفته بود، در تشریح ماجرای تلخی که بغض یک مرد را به همراه داشت به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سیدی مشهد گفت: از روزی که فهمیدم دختر ۱۶ ساله ام با جوانی بی بند و بار ارتباط عاطفی دارد گویی دنیا بر سرم خراب شد و روزگرم به تلخی گریزد.

او بر اثر غفلت های من و مادرش که همواره فکر می کردیم هنوز خردسال است و از دوستی های خیابانی با جنس مخالف چیزی نمی داند از حدود سه سال قبل با پسری به نام مجید آشنا شده بود و ما هم توجهی به رفتارهایش نداشتیم چرا که او تک دختر خانواده بود و ما رفت و آمدهایش را کنترل نمی کردیم.

خلاصه زمانی حقیقت ماجرا را پذیرفتم که دخترم درگیری یک عشق احساسی شده بود و نصیحت های دلسوزانه من و مادرش هیچ تاثیری در افکار و رفتارهای او نداشت. این ماجرا زمانی شدت گرفت که آن پسر نوجوان به در منزلمان آمد و با عریضه کشی و سروصدا خانواده ام را تهدید می کرد که اگر به ازدواج او با دخترم رضایت ندهم چنین و چنان می کند.

من که خوب می دانستم این سر و صداها و عشق های خیابانی عاقبتی جز تیر هروزی و طلاق ندارد با احساس نگرانی از آبروریزی بیشتر به تحقیق درباره آن جوان پرداختم اما باز هم بررسی هایم نشان می داد که او جوانی بی قید و بند و شرور است که حتی خانواده اش نیز او را طرد کرده اند و هم اکنون به ناچار نزد مادر بزرگش زندگی می کند.

از سوی دیگر نیز رفتارهای نامعقول و غیر اخلاقی آن جوان موجب شده بود تا هیچ کس دل خوشی از او نداشته باشد و از طرف دیگر مجید در حالی قصد ازدواج با دخترم را دارد که حتی شغل مناسبی هم ندارد و از بیکاری اوقاتش را با دوستان ناباش می گذراند...

این پدر جوان در حالی که بغض گلویش را می فشرد و قطرات اشک به آرامی از گوشه چشمانش سر زیر شده بود، ادامه داد: نصیحت هایم هیچ تاثیری در رفتارهای دخترم ندارد و او با آن که سکوت اختیار می کند اما هم چنان به این رابطه غیر اخلاقی ادامه می دهد.

از طرفی هم من مهارت های علمی درباره چگونگی برخورد با این گونه عشق های احساسی را ندارم و رفتارهایم موجب جری شدن دخترم شد تا جایی که چند شب قبل و برای آن که ما را تهدید کند در یک اقدام احمقانه دست به خودکشی زده بود که اگر دیر متوجه می شدم و او به موقع به مرکز درمانی نمی رسید امروز پدری سیاهپوش بودم که دخترش به خاطر هیچ و پوچ و تنها به دلیل بهی و هوس های احساسی جان خود را از دست داده بود. دیگر نمی دانم چگونه با این مشکل برخورد کنم و به دختر نوجوانم بفهمانم که تا چه اندازه اشتباه می کند و با این تصمیم های احمقانه در بی راهه ای قدم می گذارد که عاقبت آن از هم اکنون مشخص است، از سوی دیگر هم می توانم این ماجرا تاوان سنگین تری داشته باشد و دخترم تا آخر عمر در آتش این اشتباه بزرگ بسوزد...

شایان ذکر است به دستور سرگرد قاسم احمدی (رئیس کلانتری سیدی) خانواده این مرد جوان به دایره مددکاری اجتماعی کلانتری معرفی شدند تا دیگر مراحل مشاوره و خدمات روان شناسی را در مراکز مشاوره ای پلیس خراسان رضوی طی کنند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی